داوطلبان اسطوره‌ای

زوپیروس

سعید اصغرزاده| نمی‌دانم حاضرید با نگاهی به کتب کهن و تاریخی، نقبی به خاطرات داوطلبانه‌ای بیندازید که حماسی است و گاه یادآور سرشت مشترکی می‌شود که ما را به هم پیوند می‌دهد. اینها شاید افسانه باشند، یا حتی بنا به میثاقی نانوشته، تاریخ‌مان را شاید نباید بازخوانی کنیم اما چه کنم که این روزها روز فردوسی و خیام و... است. گاه دنبال بهانه می‌گردم تا داوطلبانه‌هایی را بنویسم که کسی داوطلب نوشتن‌شان نیست و این خود یک کار داوطلبانه است. به‌نظرم آنچه ما را ترغیب به هر گونه عکس‌العمل انسان دوستانه و وطن دوستانه کند برای فرهنگ‌سازی مناسب است. لذا از امروز در این ستون به داوطلبان اسطوره‌ای می‌پردازم. این اسطوره‌ها می‌توانند از تاریخ قدیم ایران باشند، از افسانه‌ها و داستان‌های شاهنامه و سایر کتب باشند یا حتی قهرمانان و شهدای انقلاب و جنگ و... باشند. هر کسی بر سر اعتقاد خود در این وطن، منشأ خدمتی بوده می‌تواند الگویی در این ستون باشد که به‌تدریج به معرفی تک‌تک این بخش‌ها می‌پردازم:

زوپیروس

زوپیر (زوپیروس) نام سردار شجاع سپاه داریوش است که نقش بزرگی را در پیروزی بابل به‌دست داریوش ایفا کرد. ماجرای آن این گونه است که در ۵۲۲ قبل از میلاد، یک مغ به‌نام گئومات ادعا کرد که بردیا پسر کوروش است و با این ترفند و دروغ چند ماهی هم بر تاج و تخت ایران چیره شد. تا این که در پایان خویشاوند کمبوجیه و بردیا، داریوش، همراه با ۶ نفر دیگر (هفت‌تنان) این دزد تاج و تخت ایران را کشتند و از آن پس داریوش پادشاه ایران شد.

این رویدادها زمینه‌ای را فراهم کرد که ایران با بحران‌های پرشماری روبه‌رو شود. یکی از این بحران‌ها، شورش (نبوکدرچره) بود. او خود را پسر (نبونید) می‌خواند و پادشاهی را در بابل به‌دست گرفت.

داریوش شتابان با سپاهی بزرگ به سوی بابل تاخت ولی در آن‌جا با دفاع بابلی‌ها روبه‌رو شد و با این که سپاه داریوش شهر را محاصره کرده بودند ولی پدافند بابلی‌ها شکسته نمی‌شد و دروازه‌های شهر همچنان بسته مانده بود. تا این که زوپیر پسر مگابیزوس (یکی از هفت‌تنان)، سردار دلیر سپاه داریوش اندیشید که به‌صورت داوطلبانه و مخفیانه با بریدن گوش‌ها و بینی خود، از داریوش بخواهد که به او، به این بهانه که داریوش او را تنبیه کرده است، پروانه و اجازه پناهنده‌شدن به بابل بدهد، تا از درون بابل سبب واژگونی شهر شود.

داریوش با دیدن گوش و بینی بریده زوپیر او را دیوانه خواند، ولی زوپیر در پاسخ گفت: چون او می‌دانسته است که داریوش با برنامه او همنگر و همفکر نخواهد بود، او را در برابر کار انجام شده قرار داده است.

زوپیر به بابل پناه آورد و بابلی‌ها با دیدن گوش‌ها و بینی بریده‌اش باور کردند که داریوش او را تنبیه کرده است و از روی این که زوپیر بتواند از داریوش انتقام بگیرد، در اختیار او سپاهی قرار دادند تا با داریوش بجنگد. زوپیر در چندین جنگ با سپاه داریوش پیروزی‌هایی به‌دست آورد و این پیروزی‌ها دیگر هیچ گمانی برای بابلی‌ها نمی‌گذاشت. آنها کاملا بر این باور بودند که زوپیر دشمن سرسخت داریوش است. ولی آنها در اشتباه بودند، در لحظه موعود زوپیر دروازه‌های شهر بابل را به روی سپاه داریوش باز کرد و سپاه ایران پدافند بابلی‌ها را در هم شکست و (نبوکدرچره) از بابل پا به فرار گذاشت. سپاه داریوش، شاه دروغین را پیگرد کرد تا این که او را به کام مرگ فرستاد.

داریوش به پاس خدمتی که زوپیر انجام داد، او را به ساتراپی بدون خراج بابل برگزید. زوپیر با دختر داریوش ازدواج کرد و هوده (نتیجه) این ازدواج یک دختر و پسری به‌نام مگابیزوس (همنام پدربزرگش) بود. مگابیزوس یکی از سرداران بزرگ سپاه خشایارشاه در جنگ با یونان بود.

مگابیزوس هم با دختر خشایارشاه ازدواج کرد و نام پسرشان را زوپیر (زوپیروس) نهادند.

معرفی طرح

کعبه کریمان

آیین برآورده‌کردن آرزوهای کودکان محروم سرزمین‌مان

شهروند| کودکان محروم، بی‌سرپرست و معلول همواره چشم امیدشان به دست‌های بخشنده بوده است. آنان آرزوهای کوچکی را در دل‌های بزرگ‌شان دارند که برای برآورده کردن آنها و نشاندن لبخندی بر لبان کوچک آنان نیازی به انجام کارهای بزرگ نیست. بسیاری از این کودکان آرزوهای بسیار کوچکی دارند که با کمترین امکانات می‌شود آن را برآورده کرد. جمعیت مستقل امداد دانشجویی- مردمی امام‌علی(ع) همواره سعی کرده است بین مناسبت‌ها و آیین‌های مذهبی و مشکلات موجود در جامعه رابطه‌ای روشن برقرار کند و آیین‌های مذهبی را از شکل نمادین به شکلی که کارکرد اجتماعی مثبت در جامعه داشته باشد، درآورد. به همین دلیل آرزوهای کودکان محروم، بی‌سرپرست، معلول و کودکان کار و خیابان در سراسر کشور را که از بیمارستان‌ها و مراکز نگهداری کودکان معلول، بی‌سرپرست و خانواده‌های محروم و نیازمند جمع‌آوری شده است، به دست خیرین می‌رساند و به این شکل به عبادتی فردی سمت‌وسوی عبادتی جمعی و اجتماعی می‌بخشد. آیین کعبه کریمان از سال ۱۳۸۷ توسط جمعیت امام‌علی(ع) در حال برگزاری است.

برای اطلاعات بیشتر و برآورده‌کردن آرزوهای کودکان، به سایت کعبه کریمان مراجعه کنید:
kariman.sosapoverty.org

رکابزنی رامان ظاهری، هنرمند و فعال مدنی سردشتی

تلاش برای ساختن جهانی عاری از مین

شهروند| رامان ظاهری هنرمند و فعال مدنی سردشتی با پیام جهانی عاری از مین مسیر ۴۵۰ کیلومتری سردشت-سنندج-مریوان را رکاب زد. او برای حمایت از پاکسازی میادین مین و قربانیان مین و باشعار جهانی عاری از مین، شهرهای استان کردستان را رکاب‌زده و در مسیر خود از شهرهای سردشت، بانه، سقز، سنندج و مریوان عبور کرده است.

این حرکت نمادین توسط انجمن لاوان‌ها تاو سردشت برنامه‌ریزی شده و در طی مسیر ۴۵۰ کیلومتری تعداد ۴۰ دانه بلوط زاگرس توسط این ورزشکار نشاء شد. حرکت این ورزشکار سردشتی با حمایت فعالان مدنی همراه شده است و می‌تواند در ادامه بسیاری از فعالیت‌های داوطلبانه که به‌صورت فردی و جمعی شکل گرفته، قرار بگیرد.

در پیام او که جهت این حرکت نمادین منتشر شده، آمده است:

به یاد هزاران قربانی و جان‌باخته کودک، زن و مرد هموطنی که هیچ نقش و منفعتی در ایجاد و تداوم حادثه خانمانسوز جنگ نداشتند، ولی قربانی آثار بعدی این جنگ ناخواسته شدند که صدمات روحی و جسمی وارده بر این عزیزان هیچ‌گاه جبران‌پذیر نخواهد بود، چون عضوی از خانواده انجمن هه‌تاو سردشت این حرکت کوچک را آغاز کرده (پیمودن مسیر ۴۵۰ کیلومتری سردشت-سنندج-مریوان با دوچرخه همرا با نشاء ۴۰ دانه بلوط زاگرس با پیام جهانی عاری از مین) امیدوارم انگیزشی باشد در جهت تلاش بیشتر همه ما در آغاز و تداومی برای ایجاد همبستگی بیشتر همه نهادهای مردمی، فعالان مدنی و حقوق بشری کشور و توجه بیشتر مجامع بین‌المللی، منتقدان و دولت‌ها برای کمک و متقاعد کردن مسئولان کشور و سازمان‌های مسئول در این رابطه جهت پیوستن کشورمان و کشورهایی که هنوز این معاهده را امضا نکرده‌اند به کنوانسیون جهانی ۱۹۹۷ منع مین، برای تحقق دنیایی بدون مین، حمایت از آسیب‌دیدگان و پایان‌دادن همیشگی به تکرار فاجعه مین‌های ضدنفر زمینی، برای داشتن جهانی عاری از مین.

اقدامات زیر از مسئولان و مردم انتظار می‌رود:

- تسریع در پیوستن به کنوانسیون جهانی ۱۹۹۷ منع مین. تاکنون ۱۵۶ کشور جهان این معاهده را امضا کرده‌اند و در حالی که کشورمان جزو دومین کشور مین‌خیز دنیاست، هنوز که هنوز این پیمان‌نامه را به امضا نرسانده است.

- مین‌روبی و پاکسازی مناطق مین‌گذاری شده و نیز مناطقی که قبلا پاکسازی شده‌اند، با ملاحظه عوامل آب‌بردگی، لغزش خاک و ریزش دامنه‌ها که مین‌ها را در بسیاری مناطق جابه‌جا کرده است؛ پاکسازی علمی و استاندارد صورت گیرد (مناطق پاکسازی شده قبلی هنوز قربانی می‌گیرد). انجام این امر مستلزم استفاده از کمک، امکانات و دانش کشورهای صاحب تجربه و اختصاص بودجه کافی در تسریع و انجام این ضرورت است.

- حمایت مادی و معنوی دولت و نهادهای مردمی از قربانیان مین و تحت پوشش قرار دادن آنها در بنیاد جانبازان و تحت‌حمایت قرار گرفتن خانواده‌های جان‌باخته در بنیاد شهد و امور ایثارگران.

- آگاه‌سازی و آموزش ساکنان مناطق آلوده به مین تا زمان پاکسازی کامل مین‌های زمینی.

- کمک مردم، نهادهای مردمی و فعالان مدنی برای حمایت از قربانیان مین و یاری‌رسانی به دولت برای انجام امور فوق، همزمان پیگیری و تلاش مردم و نهادهای غیردولتی جهت متقاعدکردن مسئولان و ارگان‌های مربوطه برای پذیرش معاهده منع مین و تسریع در اختصاص بودجه کافی برای مین‌روبی و اجرای اقدامات ذکر شده.

طرح «خورجین کتاب» فرصتی برای مطالعه!

راضیه زرگری| سازمان تاکسیرانی رشت و اداره کتابخانه‌های عمومی گیلان، مشترکا در یک اقدام ابتکاری، در تاکسی‌های رشت کتاب برای مطالعه مسافران گذاشته‌اند. مسافران در فاصله سوار و پیاده‌شدن می‌توانند کتاب‌هایی را که در تاکسی گذاشته‌شده مطالعه کنند. شاید این ابتکار چندان جدی نباشد و مسافران حوصله چندانی برای مطالعه نداشته باشند، اما به‌هرحال تلاش خوبی است. حداقل مسافران کتاب‌هایی را که در معرض مطالعه گذاشته‌شده، می‌توانند ورق بزنند!

پیش از این به مناسبت بیست‌وسومین دوره تکریم مقام کتابدار و ترویج گفتمان کتابخوانی اجرای نمادین طرح «خورجین کتاب» سال گذشته در رشت انجام شده بود. طبق تفاهم‌نامه‌ای که با شهرداری رشت و نهاد کتابخانه‌های عمومی گیلان منعقد شده بود، تعدادی از تاکسی‌های شهر رشت به محل ذخیره کتاب مجهز شده‌اند تا امکان دسترسی آسان شهروندان به کتاب فراهم شود.

در این‌جا باید از نهاد کتابخانه‌های عمومی گیلان که با استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در سطح استان به‌دنبال ترویج فرهنگ کتابخوانی بوده‌اند، قدردانی شده و در سایر مراکز کشور از این طرح در راستای تقویت فرهنگ کتابخوانی بهره‌برداری شود.

معلم فلسطینی که بهترین معلم سال شد

کاشت بذر امید در دل بچه‌ها

اسما روانخواه| لابد عمق فاجعه آن‌قدر زیاد است که بهتر است راجع به آن حرفی نزنیم. لابد نمی‌دانیم با این اتفاقات چه کار کنیم؟ منظورم همان آسیب‌هایی است که این روزها به طرق مختلف گریبان کودکان وطنی و غیروطنی را گرفته است. لابد شنیده‌اید از ندا، دختر ۹ ساله زنجانی که مورد آزار معلم خود قرار گرفته است و البته الان نمی‌خواهم در مورد حکم جالب توجه دادگاه حرف بزنم. می‌خواهم راجع به ندا حرف بزنم که بعد از این اتفاق، بعد از این تجربه، بعد از این که جرأت پیدا کرد و این ماجرا را علنی کرد؛ بعد از این که احتمالا دوستانش را از دست داده، بعد از این که شرم رفتن به پزشک قانونی را تجربه کرده و بعد از این که احتمالا از سوی دیگران هم سرزنش شده است، حرف بزنم. در خبرها می‌خواندم خانواده ندا به تنهایی هزینه‌های روانکاوی ندا را پرداخت می‌کنند و این خبر جای خوشحالی دارد. این که خانواده او به فکر روح و روان دخترک خود هستند. اما با خودم فکر می‌کنم چه بلایی بر سر آینده کودکانی مثل ندا می‌آید؟ اصلا نمونه وطنی را بگذاریم کنار! همین چندوقت پیش بود که خبر تعرض به صدها پسربچه سوری در اردوگاه‌های ترکیه منتشر شد. فکر کنیم چه بلایی سر آینده آنها می‌آید؟ باید بی‌خیال آینده آنها شویم؟ یا مثلا هزاران کودکی که آواره شده‌اند و فکر می‌کنند زندگی همین است دیگر. لابد همه‌جای دنیا جنگ است و باید بکشی تا کشته نشوی! چه کسی می‌تواند کمک کند تا تصور این کودکان کمی التیام یابد؟! کسی فکر کرده است باید چگونه همراه اینها باشد تا روح‌شان بیش از این آزار نبیند؟! کسی به فکر کمک کردن به میلیون‌ها کودک در معرض آسیب خواهد بود؟ کسی داوطلب بهتر کردن دنیا برای حتی یک کودک شده است؟ حنان الحروب، یک زن فلسطینی و معلم است که به همه اینها فکر کرده است. کسی که داوطلب‌شده تا دنیا را جای بهتری برای زندگی کند. تلاش کرده است تا درد این کودکان را بفهمد و دنیای بهتر را برای کودکان آسیب‌دیده و در معرض جنگ به نمایش بگذارد. او که امسال جایزه نوبل آموزشی را به‌عنوان بهترین معلم جهان کسب کرده، یکبار دیگر گوشزد کرد آموزش به کودکان چقدر مهم است.

در رقابت برای کسب عنوان بهترین معلم که ۸۰۰ نفر از سراسر جهان در آن شرکت کرده بودند، حنان الحروب از اردوگاه پناهندگان دوهیشا در جنوب کرانه باختری در ناحیه بیت‌الحم به‌عنوان برنده جایزه معرفی شد. الحروب هنگام دریافت این جایزه گفت: هر روز شاهد درد و رنجی هستیم که نظامیان اشغالگر اسراییلی در چشمان دانش‌آموزان و معلمان باقی گذاشته‌اند. در این بحبوحه بسیاری از معلمان تلاش می‌کنند ذهن کودکان را از این خشونت آزاد کرده و به‌جای آن گفتمان زیبایی را جایگزین کنند. این هدف ما است و می‌خواهیم کودکان‌مان در فلسطین مانند دیگر کودکان دنیا در فضای صلح و آزادی زندگی کنند

وی زمانی که کودکانش در اثر مشاهده یک حادثه تیراندازی هولناک در راه مدرسه به‌شدت آسیب روحی دیدند، تصمیم گرفت به تدریس در آموزش ابتدایی مشغول شود. او به‌دلیل شیوه‌های تدریس خاص و تمرکز روی روش‌های غیرخشن از طریق یادگیری مفرح همراه با بازی، همچنین ارایه مشاوره برای دانش‌آموزانی که از مشکلات رفتاری در اثر رودررویی با اشغالگران اسراییلی رنج می‌برده‌اند، این جایزه را دریافت کرده است. الحروب هنگام دریافت جایزه پیشنهاد کرد سال ۲۰۱۶ به سال دستیابی به صلح برای معلمان فلسطینی که بذر امید را در ذهن کودکان می‌کارند، اختصاص داده شود.

به بذر امید فکر می‌کنم! به تلاش برای زندگی بهتر. به کودکانی فکر می‌کنم که خشونت را لمس کرده‌اند. به امثال ندا که نباید رهایشان کنیم. به دختران اعظم فکر می‌کنم، همان زنی که ۲۰ روز تمام توسط همسرش شکنجه شده و دخترانش آسیب دیده‌اند. به آن دختری فکر می‌کنم که پدرش ۴ ساعت او و برادرش را به باد کتک گرفته بود، تا این که بالاخره برادر کوچکتر در اثر آسیب‌های جسمی جان خود را از دست می‌دهد و خواهر بزرگتر مدت‌ها در بیمارستان بستری می‌شود. به آن زن هلندی فکر می‌کنم که به دلیل تعرض در زمان کودکی و بیماری‌های روانی بعد از آن، بالاخره موفق شده است و حکم اتانازی را از دادگاه گرفته تا به کابوس‌هایش پایان دهد و این خبر را با خوشحالی منتشر کرده. شاید کمترین کار ما همین باشد. بذر امید را در دل هم بکاریم. امید را در دل هم نخشکانیم و به قول همان معلم فلسطینی گفتمان زیبایی را جایگزین هر چیز دیگری کنیم. اینها شعار نیست. کافی است فکر کنید همه این کودکان آسیب‌دیده، زمانی که بزرگ شوند، چه برداشتی از دنیا خواهند داشت و چگونه با آن مقابله می‌کنند. نکند فاجعه‌ای در انتظارمان باشد.

پرسش از شما

فقدان جریان‌سازی در حوزه پیشگیری از اعتیاد

چه کسی پیش‌قدم می‌شود؟

شهروند| قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر در نخستین کارگاه آموزشی ملی ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد سطح یک کشور با بیان این که در حوزه پیشگیری از اعتیاد جریان‌سازی وجود ندارد، گفته است: باید اقدامات جدی صورت گیرد تا ذهنیت جامعه به افراد بهبودیافته از اعتیاد تغییر کند.

بدیهی است که اگر اقداماتی برای تغییر ذهنیت افراد جامعه به معتادان بهبودیافته صورت گیرد، می‌توان زمینه مشارکت خیران و اقشار مختلف جامعه را برای کمک به این قشر شاهد بود که البته در این زمینه فعالیت‌های جدی صورت گرفته است. سوال این‌جاست که چه کسی باید پیش‌قدم شود؟ در کدام حوزه؟ و چگونه؟

پیاده روی بانوان پاک‌شده از اعتیاد

الگو

باز هم بخشش در پای چوبه‌دار

شهروند| یک زندانی متهم به «قتل» با گذشت و بخشش اولیای‌دم، در پای چوبه دار، از اعدام رهایی یافت. اولیای‌دم کرمانی با گذشت در پای چوبه‌دار، به زندانی محکوم به قصاص، زندگی مجدد بخشیدند. مدیر زندان مرکزی شهر کرمان گفت: با پیگیری مسئولان قضائی و زندان مرکزی، زندانی محکوم به قصاص با گذشت اولیای‌دم به زندگی دوباره بازگشت.

پرویز سلیمانی افزود: مددجو ۲۶ ساله است که به جرم قتل‌نفس از سال ۹۱ در زندان مرکزی کرمان در حبس بود، خوشبختانه در آستانه اجرای حکم قصاص در پای چوبه‌دار با رضایت خانواده مقتول از مرگ نجات یافت.

فراموش نکنیم که براساس آموزه‌های دینی و فرامین قرآنی، بخشش و گذشت از ارزشمندترین اخلاقیات مومنان محسوب می‌شود. این روزها، مهر و رأفت اسلامی در جامعه راهگشا بوده و از مهم‌ترین پیام‌های این اقدام خداپسندانه، نشر و ترویج الفت، محبت و قرب الهی است. ما نیز می‌توانیم داوطلبانه، مهر و محبت را در کانون خانواده و زندگی اجتماعی خود نهادینه و به‌عنوان الگو به جوامع دیگر نیز نشر و ترویج کنیم.

فرصت داوطلبی

تمدید مهلت پرداخت دیه و تعویق قصاص چشم با اسید

شهروند| با تمدید مهلت پرداخت دیه توسط شاکی پرونده، اجرای حکم قصاص کور کردن با اسید چشم دوم مجتبی یساولی که قرار بود سه‌شنبه هفته جاری اجرا شود، به تعویق افتاده است. وی همچنان برای کسب رضایت شاکی و متوقف کردن اجرای حکم نیاز به کمک‌های مالی مردمی جهت پرداخت مبلغ دیه دارد. قربانی پرونده گفته است این مبلغ را برای هزینه‌های پزشکی خود نیاز دارد.

شایان ذکر است که با تأیید دیوان عالی کشور، مجتبی در شهر قم به جرم اسیدپاشی نابینا می‌شود. او که ۲۵ ساله است با پاشیدن اسید به‌صورت مردی دیگر، باعث کوری هر دو چشم او شده است. طبق رأی دادگاه بدوی و با تأیید دیوان عالی کشور، مجتبی به قصاص محکوم شده است و از ناحیه هر دو چشم با حضور پزشک قانونی کور خواهد شد.

شاید انتخاب کمک به مجتبی به‌عنوان امری داوطلبانه شما را مردد کند اما شاید پیش از وقوع شما بتوانید به کمک مجتبی بیایید. او حتما نادم و پشیمان است.

شماره حساب خانواده مجتبی یساولی (خواهر) جهت کمک‌های مردمی و نجات وی از قصاص دومین چشمش با اسید:
۶۰۳۷۹۹۱۸۲۵۲۶۹۵۹۴

مریم یساولی (خواهر مجتبی یساولی)

معرفی کتاب

چگونه قادر باشم نظر و عقیده‌ام را بیان کنم

حرمت نفس

شهروند| کتاب «حرمت نفس» نوشته کریستف آندره و فرانسوا لولورد با ترجمه عبدالرضا صرافان و توسط جامعه یاوری فرهنگی منتشر شد. این کتاب که پنجمین کتاب چاپ شده یاوری است توسط دو روانپزشک در ۱۱ فصل نوشته شده و با زبانی ساده، خواننده را گام‌به‌گام با پیچیدگی‌های حرمت نفس و مفاهیمی چون اعتمادبه‌نفس، بینش نفس، تأیید نفس و... آشنا می‌کند و با ارایه نمونه‌هایی از دشواری‌های زندگی انسان‌های جوامع مدرن امروزی راه‌حل‌های مناسب و کاربردی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

در بخش‌هایی از این کتاب می‌خوانیم:

«حرمت نفس یعنی قادر باشم نظر و عقیده‌ام را بیان کنم، جرأت نه گفتن داشته باشم، جرأت «نمی‌دانم» گفتن داشته باشم. حق داشته باشم پس از اندیشیدن، نظر و عقیده‌ام را تغییر دهم. حق داشته باشم اشتباه کنم، شکست بخورم و پیروز شوم. حق داشته باشم بدون پرخاشگری و با احترام به عقیده مخاطبم، بانظر او مخالفت کنم. باور داشته باشم که با تمام کاستی‌ها و توانمندی‌هایم انسان خوبی هستم.»

کتاب «حرمت‌نفس» را انتشارات دستان در ۳۷۲ صفحه چاپ کرده و به قیمت ۲۵ هزار تومان به فروش می‌رسد. جامعه یاوری فرهنگی پیش از این کتاب‌های پیشه دانشگری، جشن هستی، قدرت و تصمیم‌گیری بخردانه را منتشر کرده بود.

چنانچه مایل به دریافت این کتاب هستید، با شماره تلفن ۲۶۴۰۲۶۱۱ تماس حاصل کنید.